

سامان بخشی به زندگی شهریار

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پروردگار عالم هستی در نوشتار حاضر به موضوعی میپردازیم که نقش ما بعنوان سامان دهنده به زندگی فرزندان شهریار ولی را روشن میسازد. آنچه امروز شهریار ما با آن روبروست عبارت از نداشتن کار و حرفه ای ست که مخارج زندگی اش را تأمین کند. اینرا ما رقم زدیم تا فرزند با شرایط مردمی که با وجود داشتن تحصیلات عالیه قادر به تأمین حداقلهای زندگی نیستند آشنا گردد و آنرا بنحوی رقیقتر تجربه کند. شهریار ولی بعنوان رهبری که در آستانه ظهور واقع است امروز از ما به الهام دریافته که ظهورش در فردای این نوشتار خواهد بود. باید گفت که شهریار قلباً از ضریب اطمینان بالایی برخوردار نیست زیرا در گذشته بارها از ما وعده نزدیک بودن ظهورش را گرفته بدون اینکه چنین چیزی تحقق یابد. دلای ایمانداران با آنچه بآن میتوان خاصیت اغوا یا خام شدن گفت در معرض سخنان یا کارهای حيله گرانه میتوانند بود. قلب شهریار ولی اما از خاصیتی برخوردار است که پذیرای خام شدن یا اغوا نیست بلکه درجه ای از شکاکیت به او داده شده که با وضعیت مردمان عادی قابل مقایسه نیست. شهریار ولی اما با توجه به عشقی که نسبت به ما پروردگار در دل دارد و عشق پدری که از ما دریافت میکند همواره پذیرای امیدبخشی از جانب ما بوده است. آنچه امشب در انتظار شهریار ماست نه یک امیدبخشی ساده بلکه وقوع دو پدیده ای ست که دل فرزند را مدتهاست بخود مشغول داشته اند. اینک دیگر دوران انتظار پایان رسیده حصول ایندو شهریار را برای ظهوری قریب الوقوع آماده میسازد. شهریار ما در فردای این نوشتار به جبر تاریخ که حکومتی دامنش را بر سرزمین اهورایی ایران مستولی ساخت پایان میبخشد. صفحه ای که بدست شهریار ما از نو نوشته میشود برنگ عشق است و گشودنش ترنم بهار را در دلها زنده میکند. شهریار پیش از آنیکه رهبری عالقدر باشد آموزشگر عشق حق میباشد و ما پروردگار آستان خود را در جایی قرار داده ایم که روز و شب آمد و شدگاه فرشتگان است. عالم اینرا بداند...